



حذف روسای دو قوه

روزنامه جام‌جم، در عکس تیتربیک شماره روز دوشنبه، ۸ مردامه خود عکسی از مراسم تنفیذ مسعود پزشکیان منتشر کرد که در آن تصویر محمداقرباقلیاباف و غلامحسین محسنی‌اژه‌ای حذف شده بود. این مسئله واکنش‌هایی را برانگیخت. عباس‌عبدی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی در این رابطه نوشت: «درک روزنامه صداوسیما از تعهد حرفه‌ای یک رسانه همین اندازه است». این روزنامه درباره این عکس توضیحاتی داد و عذرخواهی کرد. در متن این توضیحات آمده است: «این تصویر، طراحی روزنامه براساس شرایط کار گرافیکی و جامایی فضای تیترو بدون هیچ‌گونه نیت و نگاه جریانی بوده و ارتباطی با اصل عکس منتشرشده از مراسم تنفیذ نداشته است. تاکید همیشگی جام‌جم بر وفای و لزوم بی‌طرفی در مناسبات سیاسی و جریانی بوده و خواهد بود. در این رابطه جام‌جم از روسای قوای مقننه و قضائیه و مخاطبان خود عذرخواهی نموده و بر لزوم پرهیز از نیت‌خوانی‌های سیاسی و جریانی تاکید می‌کند.»



ادنا اوברاین درگذشت

ادنا اوبراین، نویسنده ایرلندی پس از تحمل یک دوره بیماری طولانی در ۹۳ سالگی درگذشت. اوبراین طی زندگی پرپار حرفه‌ای خود که بیش از نیم‌قرن به طول انجامید، به بررسی پیچیدگی‌ها و تناقضات زندگی زنان پرداخت. اوبراین در رمان «دختران روستایی»، صدای زنانی را که با انتظارات ظالمانه و ریاکارانه زندگی روستایی دست‌وپنجه‌نرم می‌کردند به گوش همگان رساند. آثار او سال‌ها در ایرلند ممنوع بود، اما در خارج از ایرلند منتشر می‌شد. ناشر او، فابر، ضمن ادای احترام به نویسنده، گفت: «او یکی از بزرگترین نویسندگان عصر ماست. او ادبیات ایرلندی را متحول کرد و زندگی زنان و پیچیدگی‌های شرایط انسانی را در نثری به تصویر کشید که در خشان بود و تأثیر عمیقی بر بسیاری از نویسندگانی داشت که از او پیروی کردند.» از جمله آثار او می‌توان به «دختران روستایی»، «دختری با چشمان سبز»، «دختران در لباس بخت» و «دختری تنها» اشاره کرد.



پادپخش به جای پادکست

نسرین پرویزی، معاون واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی معادل پادپخش را برای واژه پادکست پیشنهاد داد. پرویزی در این رابطه گفت: «پادکست از جمله کلماتی است که این روزها بسیار مطرح است. ما کلمه پاد که پی‌او، دی‌انگلیسی است را همانند وب پذیرفتیم و سعی کردیم کلمات بعدی را از عناصر فارسی بگیریم؛ بنابراین فرهنگستان پادپخش را گذاشته است؛ یعنی پخش به‌صورت پاد که حروف اختصاری پی‌او، دی‌است. این مجموعه‌ای از پرونده‌های رقمی اینترنتی برای پخش از دستگاه‌های پخش موسیقی یا رایانه‌های شخصی است.» پادکست مجموعه‌ای از فایل‌های صوتی دیجیتال در رابطه با موضوعات متفاوت است که از طریق اینترنت در دسترس قرار می‌گیرند. از جمله مهم‌ترین وظایف فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ابداع یا گزینش واژه‌های فارسی به‌عنوان معادل واژه‌ها و مفاهیم بیگانه است.



# لویاتان یهود و خشونت ساختاری

برای اسرائیل، «حکمرانی خوب» برابر با تامین «امنیت همه جانبه و پایدار» است

عکس: Times of Israel



امیر رضائی‌پناه مدرس دانشگاه و کارشناس مسائل اسرائیل

وقایع خشونت‌بار اخیر در غزه و رفح، بار دیگر پرابلماتیک «دولت یهود» را پیش روی جهانیان قرار داده است. دولت اسرائیل، موجودیتی کنترل‌ناپذیر است که براساس قوه فاعله و عاقله‌ای رفتار می‌کند که بیش از هر چیز قدرت عیان و خشونت ساختار یافته را ادراک می‌کند. پدیده‌ای منحصربه‌فرد و استثنائی است که ابعاد حداکثری قدرت سخت و نرم را مبنای زیست خویش قرار داده است. در برابر خط غالب در جریان اصلی لیبرالیسم که به دولت حداقلی باور دارد، دولت اسرائیل همانند یک اژدهای چندسر و گسترده‌دامن عموم شتون زیست ساکنان خود و رفتار بازیگران منطقه‌ای و جهانی را تحت اشراف دارد. امنیت، بهانه و دستاویز خوبی برای نظارت حداکثری است. اسرائیل مدعای الگو و نمونه برتر دموکراسی بودن را در منطقه دارد، اما در عمل یک «پادگان بزرگ» در سطح داخلی و یک «بازیگر خودمختار» در سطح خارجی است. برجسته‌سازی حداکثری و بیشینه‌سازی مسئله امنیت، نهایتاً شما را یک پاسپان و پلیس خوب می‌کند، نه یک نخبه و حکمران دموکرات و استیفاکننده حقوق شهروندان. دولت در اسرائیل براساخت صهیونیسم، نماد «لویاتان» است. برای اسرائیل، «حکمرانی خوب» برابر با تامین «امنیت همه‌جانبه و پایدار» است. گفتمان سیاسی - راهبردی اسرائیل، بقامحور، امنیت‌پایه، دگرساز، عمل‌گرا، کنش‌گرا، رادیکال، انتقادی، سمبولیک و نمادساز، تجهیزشده به‌واسطه ایدئولوژی قومی - نژادی، مذهبی و... بوده و خشونت لگام‌گسیخته شاید اصلی‌ترین فرآورده و برآیند صهیونیسم باشد.

مفسرین آنتیست‌عهد قدیم: «دولت یهود» هر نسل ادیان، مکتب و اندیشه‌ها از ظرفیت‌های گوناگونی برای بدل‌شدن به ایدئولوژی بر‌خوردارند. به نسبتی که یک تفکر یا سیستم اندیشگی - هویتی از توان فرزون‌تری برای تبدیل‌شدن به ایدئولوژی و مسلک سیاسی - اجتماعی بر‌خوردار باشد، انتظار کنشگری بیشتری از آن در زمینه اقتناع و بسج می‌رود. یهودیت در زمره ادیان نخبه‌گرا و غیرتیشیری به‌شمار آمده و دغدغه و دلمشغولی چندانی برای جلب و جذب مخاطب و افزودن بر شمار مومنین خویش نداشته است. درحقیقت در یهودیت دیانت از رهگذر ژنتیک، خون و وراثت توالی و تداوم می‌یابد. یهودیت یک دیانت توحیدی و ابراهیمی مبتنی بر قوم و نژاد است. یهودیت دینی الهی با محوریت قوم‌بنی اسرائیل به‌عنوان قوم برتر و برگزیده «یهوه» است.

بر این اساس، بدل‌نمودن یهودیت به یک ایدئولوژی و مکتب سیاسی - اجتماعی امری سهل و ممتنع است. پرابلماتیک ایدئولوژی‌سازی یهودیت، به‌واسطه سرشت نخبه‌گرا - پوپولیستی این موضوعی پیچیده است. این مطلب در اسرائیل کنونی، خود را در دوگانه ملت اسرائیل - امت یهود به نمایش گذارده است. آیا نخستین اسرائیل و صهیونیسم، مفسرین سکولار، لائیک و آنتیست تراث قوم یهود بوده‌اند. «دولت یهود» تئودور هرتسل شاید در این میان حکم کتاب مقدس و مانیفست را داشته باشد. صهیونیسم جنبشی در راستای دولت یهودی، نه ملت و حتی امت یهودی بوده است. خوانشی سکولار - پراگماتیک از متون و

نصوص مقدس در راستای امری عرفی، راهبردی این جهانی از میراثی آن جهانی، کشاندن دایره میراث لاهوتی موسی کلیم‌الله به‌مرزهای ناسوتی، جنبشی ناسیونالیستی و انترناسیونالیستی بر بنیاد دین و شریعت.

تئولوژی پراگماتیک ملت‌سازی صهیونیسم

نوعی از معنویت سکولار در بستر فرآیند ملت‌سازی ایدئولوژی صهیونیسم قابل شناسایی است. این معنویت سکولار و عرفی در راستای عمل و اراده معطوف به قدرت استخدام شده است. معنویت پذیرفته است که در کنه خود، ماهیت و سرشتی این جهانی داشته باشد. معنویت باید دارای کارکردهای عینی و زمینی بوده و به‌مثابه ابزاری در پیوند با دولت یهود عمل کند. معنویت ابزاری، بن‌مایه معنویت صهیونیستی قلمداد می‌شود. با این معنویت سکولار، تدبیر امور در زندگی روزمره و حفظ و تقویت دولت یهود صورت می‌گیرد، نه تحصیل فضائل، فضیلت و رذیلت باید در ساخت دنیای واقعی و در پیوند با منافع دولت یهود دیده بشود. حقیقت، نه از جنس متافیزیک که از جنس فیزیک، ماده و محسوسات است.

تئولوژی و الهیات سیاسی صهیونیستی، از جنس و قماش راهبردهای عملیاتی است. یهوه و ماشیح روی زمین هستند، نه در میان ابرهای آسمان. الهیات سیاسی نون صهیونیستی، نگاه یهودیان را در هیئت دولت یهود، از آسمان به زمین آورد. ماشیح یا موعودی برای نجات، رهایی و رستگاری نخواهد آمد و خود قوم یهود باید ماشیح و منجی خود را بسازند. ماشیح برساختی اجتماعی و سیاسی، نه موجودیتی قدسی - تاریخی است. انتظار منفعلانه باید به سود انتظار فعال کنار گذارده بشود. جست‌وجوی یک عصر گمشده یا حصول یک آینده در خشان، باور به دوگانه خیر و شر و رویرویی تاریخی و همیشگی آن‌ها، نفی ظلم، عدالت‌خواهی، وظیفه‌گرایی، کنشگری، باورهای انترناسیونالیستی، رسالت‌محوری، تقدیرگرایی، باور به عرفان سیاسی، بازگشت به ارض موعود و... ساختار الهیات سیاسی کنشگرایانه صهیونیستی‌امفصل‌بندی می‌کنند.

سگ را بجنگان! دولت یهود و سوزگی سیاسی

مفهوم کلیدی که الهیات سنتی یهودی را از الهیات انقلابی و مدرن در اسرائیل متمایز می‌کند نقش عامل انسانی و سوزگی در فراهم کردن زمینه بروز و ظهور عصر موعودگرایی است. در حالی که در دوران پیشامدرن، رستگاری با صبر و اعتماد به مداخله الهی به انتظار نشسته می‌شد، روایت مدرن صهیونیستی فعال و کنشگرایانه است. الهیات صهیونیستی از سه جهت با گونه پیشامدرن و سنتی آن تفاوت دارد: یکم، عناصر خودمختاری، خودتعیین‌گری و ناسیونالیسم، مفاهیمی محوری در روایت الهیات و موعودگرایی مدرن یا انقلابی است. دوم، برخلاف نسخه سنتی که در آن خداوند عامل هرگونه تغییر تاریخی است، روایت مدرن به‌صورتی نظام‌مند آمال موعودگراییانه را در یک نظام بروکراتیک دولت (دولت یهود) مفصل‌بندی می‌نماید. سوم، الهیات عمل‌گرای صهیونیستی، در قالب ناسیونالیستی‌اش به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی، نقشی اساسی در ساخت هویت دولت معاصر اسرائیل ایفا کرده است.

گرشوم شولم موعودگرایی یهودی را در نقطه تقاطع سه گرایش قرار می‌دهد: ۱- موعودگرایی محافظه‌کار (Conservative)، با هدف حفظ پراکتیس و قانون، برای نمونه قانون یهودی (Jewish law) و هلاخا (Halakha)

۲- موعودگرایی احیاگر (Restorative) در جهت بازیابی وضعیت طلایی و آرمانی گذشته که به چشم یک عصر طلایی بدان نگر بسته می‌شود ۳. موعودگرایی اوتوپیاپی (Utopian) که به‌دنبال ایجاد وضعیت و صورتبندی نوین، در چارچوب روندهایی است که پیش از این وجود نداشته است. اگر در گونه نخست حفظ وضع موجود اصلت دارد، در نوع دوم نوعی گرایش سلفی و گذشته‌گرا دیده شده و صورت‌بندی اوتوپیاپی با مسئله آرمان و نگاه به آینده و حرکتی به‌سوی آینده عجین گشته است. بازیگران و عاملان رهایی الهی در متون موعودگراییانه یهودی در سه مقوله پیامبران، پادشاهان و خاخام‌ها قرار می‌گیرند. در تفکر صهیونیستی - اسرائیلی، دولت یهود عملاً جایگزین این سه نهاد، بازیگر یا عامل می‌شود.

صهیونیسم مستقیم یا غیرمستقیم این ادعا را طرح نموده که به دنبال تحقق یک امر بوده است: «حکومت و امپراتوری جهانی موعودگراییانه» (A messianic global empire). ماشیح (Masiach) در اینجا همان دولت یهود و موعودگرایی عملاً همان دولت‌گرایی است. دولت اسرائیلی مدعی است که آمده است تا وعده تاریخی پایان آوارگی و تبعید یهودی را تحقق بخشد. منتها این امر بدون خشونت و از میان بردن مخالفان و دشمنان به‌ویژه جریان‌های مقاومت فلسطین همچون حماس و جنبش اسلامی در مرتبه نخست، سپس نسل‌کشی حداکثری مردمان فلسطین ممکن نیست.

سنگ بزرگی برای زدن!

در الهیات کنشگرایانه به سبک صهیونیسم، فرد معتقد تحمل خود را از دست داده و به‌شکل کنش‌ورزانه و حتی بعضاً خشونت‌آمیزی دست به‌کار اقدام و کنش می‌شود. کنش موعودگرایان به‌واسطه تغذیه از یک منبع متفن و استوار ایدئولوژیک، قاطع است؛ چراکه چنین اشخاصی برآنند که نقشی برجسته در فرآیند تحکیم سنت‌های الهی ایفا می‌کنند، قادر مطلق را احساس نموده، از قیود اخلاقی حشو و زائد‌ها شده و می‌توانند بر همه موانع و سدهای سیاسی و اجتماعی به‌واسطه دولت یهود غلبه کنند. این همان وجه عملگرایانه الهیات و عمل سیاسی برآمده از موعودگرایی صهیونیستی است. فرآیندی که از صرف بازخوانی و بازشناسی متون و نصوص گذشته و مسئله موعود و منجی منتظر را در ساخت اجتماع مورد ارزیابی و دست‌مایه اندیشه‌ورزی و کنشگری خود قرار می‌دهد.

موعودگرایی یکی از مهم‌ترین دستاوردها و افزوده‌های یهودیت به میراث غربی است؛ هر چند این بن‌مایه تنها در پیکره متمایزی از کتاب‌های مقدس یا زائر خاصی از اندیشه یهودی یافت نمی‌شود، بلکه در تنوع گسترده‌ای از منابع بازمانی شده که سنت یهودی را در طول اعصار برانگیخته است. یهودیت موعودگرایی را درک کرده و توسعه داده است. یهودیت افزون بر این، تمام تلاش خود را کرده است تا موعودگرایی را مهار کرده و آن را نسبت به عناصر انقلابی و تهاجمی خنثی سازد. واژگان، اصطلاحات، مفاهیم و مقوله‌های موعودگراییانه یادآور آن هستند که انسان (همانند خداوند در سنت خاخامی یهودیت) می‌تواند جریان و مسیر تاریخ را تغییر دهد اما این‌که آن را چگونه، چه زمانی و به چه صورتی انجام خواهد داد، تعیین نشده است. با این حال از دید صهیونیسم آن گونه که در استعاره وبری آمده، آدمی زندانی جبرگرایی در «قفس آهنین» (Iron cage) نیست. انسان یهودی می‌تواند و باید با حمایت همه‌جانبه از دولت یهود